

پاریس پایتخت مدرنیته

دیوید هاروی

ترجمه‌ی عارف اقوامی مقدم



نشر پژواک

سرشناسه : هاروی، دیوید، ۱۹۲۵ - م. Harvey, David
 عنوان و نام پدیدآور : پاریس پایتخت مدرنیته / دیوید هاروی؛ ترجمه‌ی عارف اقوامی مقدم.
 مشخصات نشر : تهران: پژواک، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری : ۳۹۶ ص:؛ مصور.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۹۹-۱۱-۲
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : عنوان اصلی: Paris, Capital of Modernity, 2003
 یادداشت : کتابنامه.
 موضوع : پاریس - تمدن - قرن ۱۹ م.
 موضوع : فرانسه - تاریخ - امپراتوری دوم، ۱۸۵۲-۱۸۷۰ م.
 شناسه زوده : اقوامی مقدم، عارف، ۱۳۳۹ -، مترجم
 رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۱ ۲۵۲/۲ DCV7۱۵
 رده‌بندی دیویی : ۹۴۴/۳۶۱۰۷
 شمار کتابشناسی ملی : ۷۴۱۷۳۸

This is a Persian translation of *Paris, Capital of Modernity*, by
 David Harvey, Routledge, 2006



نشر پژواک

پاریس، پایتخت مدرنیته

دیوید هاروی

ترجمه‌ی عارف اقوامی مقدم

طرح جلد: ابراهیم حقیقی

چاپ نخست: ۱۳۹۲

شماره‌ی نشر: ۲۴

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۹۹-۱۱-۲

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی پارسین - چاپ منصور - صحافی بهمن

انتهای بزرگراه آفریقا - شماره‌ی ۲۴۴ - واحد ۶۰۶ تلفن ۲۶۲۱۳۱۳۷

فروش: ۶۶۴۶۲۲۸۲ - pejvakpub@hotmail.com

کلیه‌ی حقوق محفوظ است

بها: ۲۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	فهرست تصاویر
۱۳	مقدمه. مدرنیته در حکم گسست
	پارهای یکم - بازنمایی هاز پاریس ۱۸۴۸-۱۸۳۰
۴۳	۱. اسطوره‌های مدرنیته: پاریس، بالزاک
	۲. در رؤیای تنواری سیاسی
۹۳	سیاست‌های انقلابی و طرح‌های اتوپایی ۱۸۴۸-۱۸۳۰
	پارهای دوم - تحقق‌پذیری هاز پاریس ۱۸۴۸-۱۸۷۰
۱۳۹	۳. پیش‌درآمد
۱۵۵	۴. سازمان روابط فضایی
۱۶۹	۵. پول، اعتبار و مالیه
۱۸۱	۶. رانت و منافع صاحبان املاک
۲۰۱	۷. دولت
۲۱۹	۸. کار انتزاعی و کار انضمامی
۲۴۵	۹. خرید و فروش نیروی کار
۲۵۹	۱۰. شرایط زنان
۲۷۳	۱۱. تولید نیروی کار
۲۹۱	۱۲. مصرف‌گرایی، نمایش و فراغت
۳۱۱	۱۳. کمونته‌ی و طبقه
۳۳۷	۱۴. روابط طبیعی ..
۳۴۷	۱۵. علم و احساس، مدرنیته و سنت
۳۶۵	۱۶. زبان‌آوری و بازنمایی
۴۰۱	۱۷. جغرافیای سیاسی یا دگرگونی شهری

بارہی سوم - قطعہ پایانی

۴۲۵ ۱۸. یادمان و اسطوره: ساخت کلیسای جامع

۴۶۵ پی نوشت ها

۴۸۱ کتاب شناسی

۴۸۹ نمایه

www.ketab.ir

فهرست تصاویر

صفحه	تصویر
۱۴	۱. سنگر خیابان مورتلیه در ژوئن ۱۸۴۸، اثر ارنست مسونیه
۱۵	۲. شورش، اثر دومیه (۱۸۴۸)
۱۸	۳. ولگردها در کاخ توپری اثر دومیه (۱۸۴۸)
۲۰	۴. سنگرها در حومه‌ی تمپل در صبح ۲۵ ژوئن سال ۱۹۴۸
۲۳	۵. تخریب خیابان‌های اطراف پاله رویال عکس از مارویل
۲۴	۶. جابه‌جایی جمعیت در اثر تخریب‌های ناشی از دومیه
۲۶	۷. له‌هال در اوایل دهه‌ی ۱۸۵۰؛ لیتوگرافی از پروسست
۲۷	۸. اولین طرح بالتار برای له‌هال جدید در ۱۸۵۲، عکس از مارویل
۲۷	۹. «سایه‌بان‌های فلزی» بالتار در له‌هال (۱۸۵۵)
۲۸	۱۰. تالار صنعت (۱۸۵۵)
۳۰	۱۱. پاساژ اپرا؛ عکس از مارویل (۱۸۵۵)
۳۲	۱۲. دلفکک، اثر دومیه
۴۴	۱۳. خیابان ریولی جدید، اثر دومیه
۴۹	۱۴. اتوپیاگرایی روستایی بورژوازی، اثر دومیه
۵۵	۱۵. واقعیت‌های زندگی روستایی، اثر دومیه
۶۰	۱۶. روبر مکایر، اثر دومیه
۶۵	۱۷. طبقات مختلف در بلوار ایتالینس و در بلوار تمپل
۷۰	۱۸. خیابان عناف، عکس از مارویل
۸۱	۱۹. فشرده‌گی زمان‌فضا، اثر دومیه (۱۸۴۴/۱۷۴۳)
۹۴	۲۰. بورژوازی و پرولتاریا، اثر دومیه (۱۸۴۸)
۹۶	۲۱. گارگانژوا، اثر دومیه

۲۲. آزادی راهنمای مردم، اثر دلاکروا ۹۸
۲۳. زنان سوسیالیست، اثر دومیه ۱۰۷
۲۴. سامانه‌ی خیابانی که طی دهه‌ی ۱۸۴۰ ۱۲۴
۲۵. پاریس جدید، اثر گوستاو دوره ۱۳۸
۲۶. پاریس جدید، اثر دومیه ۱۴۰
۲۷. خیابان‌های پاریس قدیمی. عکس از مارویل ۱۴۳
۲۸. لویی ناپلئون بناپارت ۱۴۶
۲۹. عکس و کارتن هوسمن ۱۵۱
۳۰. پاریس هوسمن را طرد می‌کند ۱۵۲
۳۱. توجه هوسمن به جزئیات خیابان‌ها، عکس از مارویل ۱۵۳
۳۲. دیوان تجارت، عکس از مارویل ۱۵۴
۳۳. سراسیمگی ناشی از راه‌آهن ۱۵۶
۳۴. گسترش شبکه‌ی ریلی در فرانسه ۱۵۹
۳۵. نقشه‌ی بلوارهای جدید هوسمن ۱۶۲
۳۶. سفر با اتوبوس، اثر دومیه ۱۶۵
۳۷. فراز و نشیب سفر با قطار، اثر دومیه ۱۶۷
۳۸. بازار بورس، اثر شارگو ۱۷۰
۳۹. وسوسه‌های سرمایه‌گذاری ۱۷۲
۴۰. عملیات شرکت ایمولیه، ۱۸۵۶-۱۸۶۵ ۱۷۶
۴۱. دسپسه‌های ملاکان، اثر دومیه ۱۸۲
۴۲. آقای وتو، اثر دومیه ۱۸۲
۴۳. مسکن غیربهداشتی، عکس از مارویل ۱۸۴
۴۴. تغییر قیمت مستغلات در پاریس ۱۸۵
۴۵. حلیی آبادهای پیرامون شهر، عکس از مارویل ۱۸۸
۴۶. تخریب‌ها و بورژوازی، اثر دومیه ۱۹۰
۴۷. افزایش پایه‌ی مالیاتی ۱۹۲
۴۸. حجم مصالح ساختمانی واردشده به پاریس ۱۹۴

۴۹. تلاش لویی ناپلئون برای اغوای جمهوری
۲۰۲
۵۰. تخریب و ساختن، اثر دومیه
۲۰۵
۵۱. بازیگران خیابانی پاریس، اثر دومیه
۲۱۰
۵۲. نقشه‌های تراکم و توزیع جمعیت
۲۱۲
۵۳. کارگر، اثر دومیه
۲۱۹
۵۴. موقعیت شرکت‌های بزرگ
۲۲۴
۵۵. موقعیت کارخانه‌های بزرگ صنعتی
۲۲۴
۵۶. کارخانه در لاله ویت
۲۲۵
۵۷. فرش بافی در گویلا، اثر دومیه
۲۲۸
۵۸. فروشگاه‌های جدید، اثر دومیه
۲۳۲
۵۹. کارخانه‌های دباغی در امتداد رود سینی‌یور، عکس از مارویل
۲۳۶
۶۰. بهره‌برداری جمعی از موتور بخار
۲۳۸
۶۱. کارگران مهاجر از منطقه‌ی لیمورین در پاریس، اثر دومیه
۲۴۷
۶۲. نقشه‌ی محل‌های مسکونی و شاخص فقر در پاریس
۲۷۷
۶۳. مالکان علیه بچه‌ها، اثر دومیه
۲۷۸
۶۴. مصیبت‌های خانواده، اثر دومیه
۲۸۸
۶۵. برای همه نمایش خوب است، اثر دومیه
۲۹۲
۶۶. رژه‌ی نظامی
۲۹۴
۶۷. افتتاحیه‌های بلوارها: سباستوپل و پرنس اوژون
۲۹۷
۶۸. سیروسياحت در بو دو بولون و دیدار از اپرا، اثر گرار
۲۹۸
۶۹. جشن‌ها و ضیافت‌ها
۲۹۹
۷۰. قطار لذت، اثر دومیه
۳۰۰
۷۱. سنگفرش و قلوه‌سنگ‌ها، اثر شام
۳۰۰
۷۲. لباس‌های پف‌دار، اثر دومیه
۳۰۱
۷۳. زندگی بلواری - کافه‌های تورتونی و گراند هتل‌ها
۳۰۴
۷۴. روابط طبقاتی در راه‌آهن، اثر دومیه
۳۱۲
۷۵. خانه به دوشی و جابه‌جایی، اثر دازو
۳۲۴

- ۳۲۶ ۷۶. پاکسازی ایل دو لا سیته
- ۳۳۲ ۷۷. مسکن طبقه‌ی کارگر در مرکز به سمت حاشیه
- ۳۲۵ ۷۸. زندگی خیابانی طبقه‌ی کارگر در اطراف له آل
- ۳۳۸ ۷۹. هوای تازه و نور خورشید، اثر دومیه
- ۳۴۰ ۸۰. بودویلون، بالا، عکس مارویل و پارک جدید در بوت شومون
- ۳۴۱ ۸۱. میدان تپل
- ۲۴۲ ۸۲. فاضلاب در خیابان‌ها، عکس از مارویل
- ۳۴۳ ۸۳. شبکه‌ی جدید فاضلاب
- ۳۵۸ ۸۴. نمایش تخریب
- ۳۵۹ ۸۵. حسرت چیزهای از دست رفته، اثر دومیه
- ۳۶۳ ۸۶. خیابان ریولی
- ۳۶۶ ۸۷. پاریس تحت فشار
- ۳۶۹ ۸۸. ازدحام در تالارها، اثر دومیه
- ۳۷۵ ۸۹. روستا و شهر، اثر دومیه
- ۲۸۲ ۹۰. نقشه پراکندگی سنگرها در ۱۷۴۸
- ۳۹۵ ۹۱. زنان مطلقه ۱۸۴۸، اثر دومیه
- ۴۰۲ ۹۲. تاریخ امپراتوری دوم، اثر دومیه
- ۴۰۴ ۹۳. سرنگونی ستون وندوم، عکس از براهه
- ۴۰۶ ۹۴. تناقضات بورژوازی، اثر دومیه
- ۴۱۳ ۹۵. نمودار گردهمایی‌ها در پاریس ۱۸۶۸-۱۸۷۰
- ۴۱۶ ۹۶. هوسمن چونان دزد، اثر مالی
- ۴۱۷ ۹۷. اعتصاب در کارخانه‌ی فلزکاری کای، اثر پروست
- ۴۲۰ ۹۸. انتخابات مارس ۱۸۷۱
- ۴۲۷ ۹۹. کلیسای جامع ساکره-کر (قلب مقدس)
- ۴۳۷ ۱۰۰. در روزهای پایانی کمون، پاریس در می‌سوزد و ویران می‌شود
- ۴۳۹ ۱۰۱. خوردن موش صحرایی و موش فاضلاب، اثر شام

۴۴۱. ۱۰۲. تی‌یر و کمون؛ اثر دومیه
۴۴۳. ۱۰۳. توپ‌های مونمار
۴۴۵. ۱۰۴. سنگر کمونارها
۴۴۷. ۱۰۵. تیربارن‌های دیوار مور دفره: اثر دارژون
۴۴۷. ۱۰۶. اجساد کمونارها
۴۴۸. ۱۰۷. انهدام ستون وندوم؛ اثر مول و ویرس
۴۵۱. ۱۰۸. سوختن پاریس در روزهای پایانی کمون
۴۵۲. ۱۰۹. تصاویر ماه و دیمه از کمون
۴۶۰. ۱۱۰. مجسمه‌ی آزادی در کارگاه پاریس
۴۶۳. ۱۱۱. ساکره-کر به‌سان خون‌آشام

مقدمه

مدرنیته در حکم گسست

گسست بنیادی از گذشته یکی از اسطوره‌های مدرنیته است. این گسست از قرار معلوم از چنان جایگاهی برخوردار است که ملاحظه‌ی جهان به سان لوح سفید را امکان‌پذیر می‌کند و می‌توان جهان نویی را بدون رجوع به گذشته — یا اگر گذشته بر سر راه آن قرار گیرد با محور آن — بر آن حک کرد. بنابراین مدرنیته همواره به معنای «تخریب خلاق» است که می‌تواند آرام و دموکراتیک یا انقلابی، خشن و آمرانه باشد. تصمیم در خصوص ارجاع این گسست به شیوه‌ی عمل یا بازنمایی چیزها در قلمروهای مختلف مانند ادبیات، هنر، برنامه‌ریزی شهری، سازمان صنعتی، سیاست، شیوه‌ی زندگی و چیزهایی از این دست یا به تغییر تمامی این قلمروها حول زمان و مکان تعیین‌کننده‌ای که نیروهای ابیاشته‌ی مدرنیته از آنجا برای تصرف جهان به حرکت درمی‌آیند، غالباً دشوار است. اسطوره‌ی مدرنیته به روایت دوم (بالاخص به واسطه اصطلاحات هم‌ریشه‌ی مدرنیسم و توسعه) تمایل دارد هرچند اغلب مدافعان مدرنیته بالاچار می‌پذیرند که توسعه‌ی نامتوازن ناشی از آن موجب سردرگمی قابل‌توجه در جزئیات می‌گردد.

من این مفهوم از مدرنیته را اسطوره می‌خوانم زیرا مفهوم گسست بنیادی چنان قدرت فراگیر و مجاب‌کننده‌ای دارد که با وجود شواهد بی‌شمار، نه احتمال و نه امکان رخ دادنش هست. نظریه‌ی جایگزین مدرنیسم (نه مدرنیته) که در ابتدا سن سیمون و تا حدود زیادی کارل مارکس مطرح کردند بر آن است که هیچ نظام اجتماعی متحول نمی‌شود مگر آن‌که ویژگی‌های نوین به شکل پیشینی در وضعیت موجودش حضور داشته باشند. عجیب نیست که این دو متفکر برجسته‌ی معبد اندیشه‌ی مدرنیته صراحتاً امکان هرگونه گسست بنیادی را در عین پافشاری بر اهمیت تحول انقلابی منکر می‌شوند؟ همگرایی اندیشه در هر صورت حول محور «تخریب خلاق» است. بنا بر یک مثل قدیمی درست کردن نیمرو به شکستن

تخم مرغ منوط است، به همین دلیل آفرینش پیکربندی‌های اجتماعی جدید، بدون عبور از پیکربندی‌های قدیمی یا حتا محو آنها غیرممکن است. معنادار بودن اصطلاح مدرنیته متضمن لحظات تعیین‌کننده از تخریب خلاق است.



تصویر ۸: نقاشی ارنست مسونیه از سنگر خیابان مورتلیه در ژوئن ۱۸۴۸ مرگ و تخریب را تصویر می‌کند که مانع از بازسازی مردم پاریس در راستای سوسیالیسم اتوپیایی از راه جنبش انقلابی شد.



در سال ۱۸۴۸ چیز عجیبی به‌طور اعم در اروپا و به شکل اخص در پاریس اتفاق افتاد. گسست بنیادی در اقتصاد سیاسی، زندگی و فرهنگ پاریس آن سال‌ها، دست‌کم به‌شکل سطحی، کاملاً پذیرفتنی است. پاریس در بهترین حالت شهری بود که سرهم‌بندی محض مشکلات متلاطمه زیرساخت‌های شهری تروا و وسطا بود؛ سپس هوسمن به عرصه آمد و چماق شهر را بر سر مردم ریخته فرو برد. پیش‌تر کلاسیست‌هایی نظیر اینگرس^۱ و داوید، و نقاشانی نظیر دلاکروا^۲ و بعد واقع‌گرایی کوربه^۳ و امپرسیونیسم مانه^۴ پا به عرصه گذاشته بودند. پیش از اینان، شاعران و رمان‌نویسان رومانتیک (لامارتین، هوگو، موسه^۵ و ژرژ ساند) ظهور کرده بودند؛ بعد از اینان نیز نثر و

تصویر^۶ سبیلوی شورش دومیه که وحشت و ویژگی‌های کار او ال‌مانند شورش ۱۸۴۸ را به تصویر می‌کشد، تابلو به‌ظاهر خبر شومی دلالت دارد.

شعر مغلق، پراکنده و تندوتیز فلور و بودلر شکل گرفت. مقام بر این رخدادها، صنایع مانوفاکتور پراکنده‌ی مبتنی بر پیشه‌وری سازمان‌یافته بود که عمده‌تأ راه را بر

۱. Jean-Auguste-Dominique Ingres (۱۷۸۰-۱۸۶۷)؛ نقاش فرانسوی، شاگرد دیوید. (م.)
۲. Eugene Delacroix (۱۷۸۹-۱۸۶۳) سرآمد نقاشان رمانتیک فرانسوی. مطالعه‌اش از رنگ‌ها امپرسیونیست‌ها و تعلق خاطرش به چیزهای عجیب هنرمندان جنبش نمادگرا را تحت تأثیر قرار داد. منبع الهامات وی عمدتاً حوادث تاریخی معاصر یا ادبیات بود. (م.)
۳. Gustave Courbet (۱۸۱۹-۱۸۷۷) نقاش فرانسوی، رهبر جنبش واقع‌گرایی. کوربه علیه نقاشی رومانتیک دوره‌ی خود شورید و به رویدادهای روزمره به عنوان موضوع نقاشی متوسل شد. (م.)
۴. Edouard Manet (۱۸۳۲-۱۸۸۳). نقاش فرانسوی، پیشگام گذار از واقع‌گرایی کوربه به امپرسیونیسم. (م.)
۵. De Musset, Louis-Charles-Alfred (۱۸۱۰-۱۸۵۷). چهره‌ی شاخص نمایش‌نویسی و شعر رومانتیک فرانسوی. (م.)

صنعت ماشینی و مدرن هموار کردند. پیش‌تر مغازه‌های کوچک در راستای معابر باریک و تار عنکبوتی یا در زیر تاق‌گان مستقر می‌شدند؛ سپس فروشگاه‌های بزرگ غرفه‌ای، بسته و گریخته به بلوارها سرازیر شدند. مقدم بر این رویدادها، اتوبیوگرافی و رمانتیسیم شکل گرفته بود؛ سپس مدیریت‌گرایی و سوسیالیسم علمی عمل‌گرا و واقع‌گرا ظاهر شدند. پیش‌تر، حمل آب شغلی عمده بود اما در ۱۸۷۰ با ظهور لوله‌کشی این شغل تقریباً ناپدید شد. سال ۱۸۴۸ از تمام این جهات — و حتی بیشتر — لحظه‌ای تعیین‌کننده در تبلور بیشترین پدیده‌های نو از [جهان] کهنه بود.

دقیقاً در سال ۱۸۴۸ در پاریس چه اتفاقی روی داد؟ در سراسر کشور گرسنگی، بیکاری، فلاکت و نارضایتی موج می‌زد و بخش عمده‌ی این مصایب با هجوم مردم به پاریس برای دستیابی به حداقل‌ها در این شهر انباشته می‌شد. جمهوری‌خواهان و سوسیالیست‌ها در رویارویی با سلطنت یا حداقل اصلاح آن برای کنارآمدن این نظام با وعده‌های اولیه‌ی دموکراتیک‌اش مصمم بودند. به باور برخی، در غیر این صورت وقوع انقلاب اجتناب‌ناپذیر بود. این وضعیت سال‌ها دوام آورد. اعتصابات، تظاهرات خیابانی و شورش‌های توطئه‌گرانی دهه‌ی ۱۸۴۰ کنترل شده بود و تعداد انگشت‌شماری به نظر می‌رسید تصور می‌کردند اگر آمادگی داشتند وضعیت می‌توانست متفاوت باشد.

در ۲۳ فوریه ۱۸۴۸ در بلوار کاپوسین^۱ تظاهرات کوچکی در مقابل وزارت خارجه رخ داد و سربازان به سوی تظاهرکنندگان آتش گشودند که پنجاه نفر یا بیشتر کشته شدند. آنچه اتفاق افتاد غیرعادی بود. گاری‌ای با چند جسد از کشته‌شدگان زیر نور مشعل در شهر گردانده شد. شرح افسانه‌ای (از آن‌رو افسانه‌ای که گاریچی شهادت داده بود جسد زنی در میان کشتگان وجود نداشت) دانیل استرن را فلور^۲ با تمرکز بر جسد زنی در رمان تربیت احساسات^۳ پیگیری کرد.^(۴) طبق گزارش استرن، قبل از گردهمایی آرام در خیابان‌ها، پسر بچه‌ای با حرکت مشعل خود هرازگاهی هیکل زن جوانی را در پرتو نور هویدا می‌کرد؛ مردی لحظاتی بعد جسد را بلند کرد و آن را در آزدحام جمعیت سرپا نگاه داشت.^(۵) این

۱. Capucines

۲. Gustave Flaubert (۱۸۲۱-۱۸۸۰م): رمانتویس مشهور فرانسوی و خالق رمان مشهور مادام بواری. (م.)

۳. Sentimental Education

نمادی بسیار اثرگذار بود. آزادی از مدت‌ها قبل مانند زنی تصویر می‌شد و اینک به ظاهر هدف شلیک گلوله قرار گرفته بود. شب بعد بنا بر گزارش‌های مختلف به شکل هوآناکی آرام بود. حتا بازار نیز چنین وضعیتی داشت. کارگران، دانشجویان، بورژوازی ناراضی و خرده‌مالکان در خیابان‌ها گردآمدند. شمار زیادی از اعضای گارد ملی نیز به آنها پیوستند و بخش عمده‌ای از ارتش به سرعت از جنگیدن با آنها طفره رفت.

لویی فیلیپ^۱ شتابزده ابتدا لویی مول و سپس آدولف تییر^۲ را به مقام نخست‌وزیر برگزید. تییر، مؤلف تاریخ حجیم انقلاب فرانسه، این پست را تا سلطنت جزای (۱۸۳۰م) حفظ کرد اما در تثبیت رژیم چون سلطنت مشروطه‌ی بریتانیا ناکام ماند. تییر تصور می‌کرد پادشاه را در عقب‌نشینی به کاخ ورسای و اکتفا به گارد تشریفات وفادار — و در صورت ضرورت سرکوب جنبش انقلابی پاریس (تاکتیکی که بعداً در دیپلوماسی با کمون پاریس ۱۸۷۱ به کار گرفته شد) — اقناع کرده است. پادشاه سالخورده و ضعیف‌النفس حتا اگر گوش شنوایی داشت به این توصیه‌ها تن نداد. او قدرت را به فرزند بزرگ و هجده‌ساله‌ی خود تفویض کرد، سوار کالسکه شد و به همراه ملکه، به عنوان آقا و خانم اسمیت به انگلستان گریخت. در نتیجه شهر به دست انقلابیون افتاد. نمایندگان محافظه‌کار گریختند و تلاش کم‌رنگ مجلس ملی در انتصاب نایب‌السلطنه به پادشاهی به‌آسانی کنار گذاشته شد. حکومت موقت در هتل ویلا تشکیل شد. گروه پیازده‌نفره، مرکب از لامارتین، شاعر رومانتیک، به همراه جمهوری خواهان و با موافقت سوسیالیست‌ها، و لویی بلان (سوسیالیست ارتدکس و وفادار به سوسیالیسم تاپیان عمر) در رأس این حکومت موقت قرار گرفت. مردم به کاخ توپلری، مقر شاه سابق، هجوم بردند و آن را غارت و تائبه‌ها و پرده‌های نقاشی را تخریب کردند. عوام و حتا وانگروها پیش از آن که سریر پادشاهی از میان خیابان‌ها به باستیل انتقال یافته و به‌آتش کشیده شود بر آن جلوس کردند.

۱. Louis Philippe (۱۷۷۳-۱۸۵۰): پادشاه فرانسه (۱۸۳۰-۴۸)، مشهور به شاه شهروند که از حمایت افشار فرادست بورژوا برخوردار بود اما به دلیل عدم موفقیت در تمهید ائتلاف با طبقات صنعتی جدید از قدرت کناره گرفت. (م.)

۲. Louis Adolphe Thiers (۱۷۹۷-۱۸۷۷): دولتمرد، روزنامه‌نگار و مورخ فرانسوی که بانی اولین ریاست جمهوری در جمهوری سوم (۱۸۷۳-۱۸۷۱) شد. (م.)

افراد بی‌شماری شاهد این رویدادها بودند. حتا بالزاک علی‌رغم اشتیاق در حرکت به طرف روسیه برای پیوستن به زن محبوبش مادام هانسکا نتوانست در برابر تمایل سفر به توپلری مقاومت کند. فلوربر برای مشاهده‌ی دست‌اول رخدادهای «از دیدگاهی هنرمندانه» به پاریس شتافت و طی بیست سال بعد، روایتی دقیق، مطول، الهام‌بخش که تا حدودی مقبول مورخان نیز بود را در تربیت احساسات به نگارش درآورد. بودلر نیز در عمل، اسیر تندبادهای شد. اما اوژن هوسمن که بعداً قائم مقام دپارتمان^۱ بلی^۲ در نزدیکی بوردو و بعدها مغز متفکر تحولات پاریس شد نظیر بسیاری از فرانسوی‌های شهرستانی^۳، دو روز بعد از وقوع حوادث، شگفت‌زده و هراسناک شد. او پس از استعفا از پذیرش حکم انتصاب مجدد از سوی حکومتی که آن را غیرقانونی می‌دانست، امتناع کرد.



سویز^۴: دومیه به شکل مضحکی لحظه‌ای را تصویر کرده است که ولگردهای پاریس به رقابتی برخوشانه در اطراف کاخ رهاشده‌ی توپلری شغول بودند و توانستند لحظه‌ای تاج و تخت فرانسه را تصاحب کنند. سرانجام تاج و تخت از خیابان‌ها باستیل انتقال یافت و به آتش کشیده شد.

حکومت موقت در اواخر آوریل انتخابات را برگزار کرد و مجلس مؤسسان در ماه مه به‌طور رسمی برای اعلام جمهوری گردهم آمد. اکثریت جمعیت فرانسه‌ی شهرستانی به راست و بخش عمده‌ی پاریسی‌های چپ رأی دادند و شمار قابل‌توجهی از سوسیالیست‌ها روانه‌ی مجلس شدند. باشگاه‌های سیاسی و تشکیلات کارگری شکل گرفتند و آنهایی که دغدغه‌شان مسئله‌ی کار بود کمیسیون رسمی، موسوم به 'پارلمان کارگری' را تدارک دیدند که به‌طور منظم در کاخ لوگزامبورگ برای پیگیری اصلاحات سیاسی و اجتماعی گردهم می‌آمدند. کارگاه‌های ملی برای عرضه‌ی کار

۱. دپارتمان سطحی از تقسیمات اداری فرانسه است که می‌توان آن را معادل استان یا ایالت فرض کرد. (م.)

2. Blaye

۳. فرانسوی‌های شهرستانی همان غیرپاریسی‌ها هستند. (م.)

و تعیین مزد برای بیکاران راه‌اندازی شدند. لحظه‌ی تعیین‌کننده‌ای از آزادی مذاکره و گفتگو شکل گرفت. فلور به شکل برجسته‌ای این مفهوم را در تربیت احساسات به تصویر می‌کشد:

با توقف کسب و کار، تشویش و اشتیاق به پرسه زنی، همه را از خانه‌ها بیرون می‌کشید. تفاوت مراتب اجتماعی در غیررسمی بودن لباس‌ها رنگ می‌باخت، کینه‌ها کتمان می‌شده، آرزوها می‌بالید و مردم عادی سرشار از نیک‌خواهی بودند. چهره‌ها دیر مباحثات به حقوق به دست آمده می‌درخشید. شادمانی جشنواره‌ای و نوعی حس اردوگاهی [اسکان موقت] موج می‌زد؛ چیزی مطبوع‌تر از وضعیت پاریس در آن اولین روزها وجود نداشت ...

[فردریک و مارشال] از همه [و همه جا] یا تقریباً از همه‌ی [باشگاه‌ها]، سرخ و آبی، شوریدگان و انعطاف‌ناپذیران، پاک‌دینان و قلندران، جادوگران و الکلی‌ها، آنهایی که بر مرکب تمامی پادشاهان پافشاری داشتند و آنهایی که رفتار تند خواربارفروشان را بر دوش تافتند و هر جایی که مستأجران به مالکان دشنام می‌دادند، جاهایی که آنهایی که بالاپوش به تن داشتند به صاحبان لباس‌های فاخر حمله می‌کردند و تروتمندانی که علیه فقرا دسیسه‌چینی می‌کردند. دیدن کردند. برخی از [بازماندگان] قربانیان پلیس غرامت می‌خواستند، افرادی برای تکمیل ابداعات خود عاجزانه پول مطالبه می‌کردند، در نقطه‌ای دیگر طرح‌های فالانستری^۱ (فوریه‌ای) مطرح بود، پروژه‌هایی برای بازارهای محلی، نظام‌هایی برای ارتقای راه عمومی و سپس بارقه‌ای از زیرکی و فراست در میان ابرهای حماقت، تراوشات غیرمنتظره‌ی پندوانداز، حقوقی که با سوگند اعلام می‌شد، شکوفه‌های فصاحت بر لبان پادوها که شمشیر را بر سینه‌ی لختشان حمایل می‌کردند ... برای آن که معقول و منطقی جلوه کرد باید مانند وکلا آتشین سخن راند و از عادات زیر هر قدر که امکان داشت استفاده کرد: همه باید در بنای این عمارت با یکدیگر مشارکت کنند ... مسائل اجتماعی ... کارگاه‌ها.^(۲)

۱. فالانسترهای فوریه‌ای جوامعی اشتراکی مشتمل بر گروه‌های کوچک خودکفا بودند. واژه‌ی فرانسوی phalanstere محل اسکان جامعه‌ای فوریه‌ای است که از ترکیب واژه‌ی لاتین phalang به علاوه‌ی پسوند stere فرانسوی به وجود آمده است. (م.)



تصویر ۴: ویترای کمیاب و فوق‌العاده از سنگ‌ها در گالری نمیل [بخش پرتراکم در ناحیه‌ی ۳ پاریس که به باغات و بازارهای سرپوشیده‌اش شهره است] در صبح ۲۵ ژوئن سال ۱۹۴۸، نشاندهنده‌ی آن است که نیروهای انتظامی در بازپس‌گیری پاریس چه هدفی را تعقیب می‌کردند.

اما وضعیت اقتصادی وخیم‌تر شد. بدهکاری‌ها برآمده‌ی تعویق افتاد و بورژوازی از آن‌رو که حقوق مالکیتش به‌عنوان مالک، موجر و کارفرما به واکنش‌های احساسی دامن‌بزند، دچار هراس شد. (فلورنوس: «مالکیت جایگاهی چونان مذهب یافت و از خدا جدایی‌ناپذیر شده»). آشوب‌های کوچک در آوریل و مه هراس‌ها را عمیق‌تر کرد و آخرین آشوب‌ها با دستگیری تنی چند از رهبران رادیکال به پایان رسید. تلافی علیه چپ در دستورکار قرار گرفت. کارگاه‌های ملی از سازماندهی نیروی‌کار مولد عاجز ماند و در عین حال مانع از بازگشت کارگران به سر کار خود شد. حکومت-جمهوری‌خواه با «اکثریت قاطع جناح راست در مابین ژوئن کارگاه‌ها را تعطیل کرد. در اعتراضات مردمی عناصر بامعنایی نضج یافت. در توصیف کلاسیک گودل «انسان‌ها گرسنگی می‌کشیدند و بی‌امید، بدون رهبر، بدون همه‌مهمه و هورا می‌جنگیدند و با ترش‌رویی از پشت سنگ‌های سنگی عظیم شلیک می‌کردند؛ پاریس چهار روز در آتش و دود می‌سوخت؛ تفنگ‌ها سنگ‌ها را نشانه